

● قدیمی‌ترین مرکز درمانی مشهد

قدیمی‌ترین اسناد پزشکی خراسان مربوط به قدیمی‌ترین مرکز درمانی مشهد یا همان دارالشفاى رضوى است که برخی‌ها، آن را یادگار گوهرشادخاتون می‌دانند و معتقدند او دستور داده بود هنگام ساخت مسجد، درمانگاهی نیز برای معالجه بیماران زائر و مجاور ساخته شود، مکانی که تا مدت‌ها وظیفه‌اش شربت‌داری، مداوا و کم کردن درد بیماران بود، البته در وقف‌نامه «عتیق‌بن‌احمد بن‌ملک اسماعیل طوسی، نیز که در سال ۹۳۱قمری ثبت شده است و شامل اولین موقوفات برای بیماران غریب در مشهد است، به ساخت دارالشفاى امام در مجاورت حرم مطهر امام‌رضا^(ع) اشاره شده است. در این وقف‌نامه، تعدادی از رقیبات (املاک بخشیده‌شده) مزرعه‌های کنویس (کنه‌بیست)، تبادکان، چاه خاصه، عشر مزرعه رادکان و سه زوج از مزرعه‌کاهور برای درمان بیماران، اطعام فقر و مساکین، صادرین، واردین و غریبان وقف کرده‌اند. دارالشفا موقوفات دیگری نیز دارد، ازجمله حمام مهدی‌قلی‌بیگ میرآخورباشی، مشهور به حمام شاه که هشت عشر درآمد آن باید صرف ادویه و اشریه شربت‌خانه (مکان تهیه دارو در گذشته) و دارالشفاى حضرت می‌شد.

در سال ۱۱۶۰ قمری عادل‌شاه معروف به علی‌شاه، مکانی را در جنوب حرم امام‌رضا^(ع) (جنب مسجد فعلی گوهرشاد) برای بیماران وقف می‌کند. بیش از یک قرن بعد در سال ۱۲۷۷ قمری، میرزا جعفرخان مشیرالدوله، تولیت آستان قدس رضوی، ساخت‌مریض‌خانه جدیدی را در بالاخیابان آغاز می‌کند تا به جای دارالشفاى سابق، استفاده شود.

این بنای جدیدکه برای مردان وزنان دوقضای مجزادارد، بعد از فوت مشیرالدوله و در سال ۱۲۸ قمری به‌همت فرزند او (میرزا محمدخان سرتیپ) تکمیل می‌شود و به سرانجام می‌رسد. «اعتمادالسلطنه، در شرح‌خاطرات سفرش به مشهد توضیح می‌دهد: «میرزا جعفرخان مشیرالدوله در ماه ذی‌حجه ۱۲۷۷ خورشیدی به‌عنوان والی و نیابت تولیت وارد مشهد مقدس شد. او در نظم امور خاصه زاور و علما و شام‌خدام، مساعی جمیله نمود و دارالشفاى سابق را که در جنب مسجد جامع بود و جایی تنگ و متروک داشته، به خیابان علیا، متصل به باغ وقفی سرکار فیض‌آثار، منتقل می‌کند».

● جایه‌جایی‌های دارالشفا

از این عمارت که مناسب هشتاد بیمار است، تا اوایل قرن گذشته استفاده می‌شد. تا اینکه در سال ۱۲۹۷ خورشیدی، دکتر امیراعلم، مؤسس بیمارستان احمدیه‌تهران، به‌مشهد می‌آید و چون دوباره ساختمان دارالشفا را متروکه می‌بیند و امکانات آن را مناسب نمی‌یابد، آستین همش را برای اصلاح آن بالا می‌زند و با جمع‌آوری اغانه و کمک اهالی مشهد، اصل بنا را تعمیر می‌کند و بخش‌های ساختمانی جدیدی بر آن می‌افزاید.

نگاهی به تاریخ پزشکی مشهد که به دارالشفاى حضرت رضا^(ع) گره خورده است

شفاى بیماران در جوار حرم

حسین بیات| یکی از دانش‌هایی که ایران‌زمین در آن نقش مهمی را ایفا کرده است، دانش پزشکی است. زمانی که زرتشت -که خود نیز یکی از پزشکان برجسته عهد باستان ایران است- پا به عرصه وجود می‌گذارد، قرن‌ها یا هزاران سال است که این دانش در ایران‌زمین رواج دارد. این‌گونه است که آغاز تاریخچه پزشکی در ایران را از دوره‌ای می‌دانند که پارت‌ها در نخستین زادگاه خود، یعنی نزدیکی خوارزم، زندگی می‌کردند. نخستین پزشک آریایی «ترپتا، یا «سرتا، نامیده شده که از نظر شخصیت پزشکی، مانند «اسکلیپوس، برای یونانیان و «آسکولاپیوس، برای رومیان بوده است. نام این پزشک، نه تنها در تاریخ پزشکی ایران به‌جا مانده، بلکه در هندوستان نیز نخستین پزشک آریایی، شناخته شده است و این نشان می‌دهد که وی هنگامی زندگی می‌کرده است که آریاییان هند و ایران ازهم جدا نبوده‌اند، ضمن اینکه از نوشتارهای گوناگون زبان پهلوی چنین برمی‌آید که او در جراحی نیز دستی داشته است و از خواص دارویی گیاهان مختلف نیز آگاهی داشته، به‌ویژه که خود عصاره آن‌ها را تهیه می‌کرده است. با چنین پیشینه‌ای، علم پزشکی از قدیمی‌ترین علوم کشور ما به‌شمار می‌رود. در روز پزشکی فرصتی دست داده است تا نگاهی ببندازیم بر تاریخ پزشکی در مشهد که به قدیمی‌ترین مرکز درمانی این شهر، یعنی دارالشفاى حضرت رضا^(ع)، گره خورده است.



تصویری از درمانگاه آستان قدس رضوی در اواخر دهه ۵۰

در باغ عشرت‌آباد، از اراضی موقوفه رضوی، نزدیکی دروازه بالاخیابان (محل فعلی درمانگاه رازی)، انتقال می‌یابد که وسیع‌تر و بهتر است. محل قبلی نیز تا مدتی به اجاره داده می‌شود.

بیمارستان جدید با نام شاه‌رضا در سال ۱۳۱۳ با ۱۰۰ تخت‌خواب، ۴۵ پزشک، یک دندان‌پزشک، ۲۷۰ پرستار، هجده پزشک یار، پنج ماما و شش

تشکیلات منظم دارالشفا

از دوره صفویه تا قاجاریه، درمان در دارالشفا رایگان است و بیماران به‌صورت سربایی (متفرقه) یا بستری، پذیرش می‌شوند. قسمت معاینات سربایی دارالشفا در روزهای جمعه و مناسبت‌های خاص مذهبی، همچنین برخی اعیاد و سوگواری‌ها تعطیل است. در این دوره افرادی چون طبیب یا حکیم (رئیس دارالشفا)، ناظر دارالشفا (مدیر داخلی)، جراح (انجام‌دهنده عمل‌های جراحی)، شربت‌دار (مسئول داروخانه)، غزب‌دارالشفا (دفتردار و حسابدار)، بیماردارباشی (سرپرستار)، بیماردار (پرستار)، خدمه عورات (پهکار)، دلاک (مسئول استحمام)، حجام و فصاد (مسئول حمامت بیماران)، دربان (سرایدار) و اتاق‌دار (مسئولان انتظامات)، چراغچی (مسئول روشنایی)، آشپز (مسئول تغذیه) و سلمانی (آرایشگر) در دارالشفا خدمت می‌کنند. تمام این مشاغل دارای وظیفه معلوم و جیره‌ومووجب مشخصی هستند و ۲۰هزاربرگ سند باقی‌مانده از مکاتبات دارالشفاى رضوی، نشان‌دهنده آن است که این مرکز، تشکیلاتی منظم و حساب‌شده داشته است.

زنانی که تا همیشه پرستار بوده اند

ازآنجا که حکیمان و طبیبان دارالشفا از حاذقان زمان خود بودند، نه‌تنها زائران که شاهان نیز به معالجه در این مکان علاقه‌مند بودند. آن‌طور که در متن «عالم‌آرای عباسی، آمده است. شاه‌عباس یکی از این تاج‌داران است که برای معالجه بیماری‌اش، هیچ جایی بهتر از دارالشفاى حضرت نمی‌یابد. اما حضور زنانی به‌عنوان بیماردار و پرستار، از خاص‌ترین مشاغل دارالشفا بوده است، زیرا برابر اسنادی، عده‌ای براساس ندزی، خود را برای همیشه وقف این مکان می‌کردند تا خدمتگزار زائران بیمار حضرت باشند. پرستاری، رختشویی، مراقبت از فرزندان همراه بیمار، نگهداری از نوزادان شیرخوار، به‌ویژه اطفال رهاشده در حرم مطهر و رسیدگی به آن‌ها تا مشخص شدن وضعیتشان، از وظایف این افراد بوده است، چنان‌که در سندی مربوط به سال ۱۱۲۹ هجری قمری، سکنیه‌بانو که ادعای خدمت بیمارداری می‌کرده است، به خدمت سی‌ساله مادرش در این سمت اشاره می‌کند و می‌گوید باتوجه‌به اینکه مادرش «خانم بانو، سی‌سال سابقه خدمت دارد، حق موروثی اوست که به این شغل گمارده شود.



فصل پرداخت دستمزد معالجه‌داران و کارکنان دارالشفا به تاریخ ۱۲۴۸ خورشیدی



دکتر رش بولون

در سال ۱۳۳۳ پزشکی بلژیکی به نام «رش بولون، به مشهد می‌آید. او چند ماه بعد به مدت سه سال در قرارداد اول به استخدام آستان‌قدس برای ریاست بخش جراحی بیمارستان امام‌رضا^(ع) درمی‌آید که این مدت به پانزده سال افزایش می‌یابد. بسیاری از متخصصان تأکید می‌کنند که با حضور دکتر بولون در بیمارستان امام‌رضا^(ع)، برای نخستین‌بار بستر توسعه جراحی نوین، گسترده می‌شود و باتوجه‌به امکاناتی که آستان‌قدس در آن زمان دراختیار داشت، این طبیب اقدامات خوبی را انجام می‌دهد.



مقابل مهمان‌سرای حضرت) به دارالشفا اختصاص یابد. تشکیلات دارالشفاى حضرت در سال ۱۳۷۳ به درمانگاه رازی سابق، روبه‌روی مدرسه نواب در خیابان آیتا... شیرازی، انتقال می‌یابد و به مدت سیزده سال در آنجا مستقر است تاآنکه در بهمن سال ۱۳۸۶ به ساختمانی در مجاورت مسجد هفتادودتن در ضلع جنوب‌غربی حرم مطهر انتقال می‌یابد. سرانجام در تاریخ ۱۳ آذر ۱۳۸۸ ساختمان چهارطبقه مجهز فعلی دارالشفاى رضوی با زیربنای ۴هزارو۹۷۹مترمربع در مجاورت بست شیخ‌طوسی گشایش می‌یابد. هم‌اکنون در دارالشفاى حضرت رضا^(ع) یا اورژانس حرم مطهر رضوی حدود ۲هزار نیروی افتخاری شامل پرستار، پزشک عمومی و پزشک متخصص در زمینه‌های تخصصی مختلف مشغول خدمت هستند.

● بازسازی‌ها:از گذشته تا امروز

دارالشفاى حضرت از صفوی تا قاجار، تنها بیمارستان مشهد بوده است، بنابراین چندین مرتبه شاهان آن را تعمیر می‌کنند و حتی تغییر مکان می‌یابد که دامنه این بازسازی‌ها به دوران پهلوی نیز می‌رسد. شرح این تغییرات در گزارش تاریخ‌نویسان بسیاری مانند مرحوم مؤتمن، اعتمادالسلطنه و به‌ویژه «ویلیم فلور، آمده است. این سیاح اروپایی در کتاب «بیمارستان‌های ایران در زمان صفویه و قاجار»، با اشاره به تعمیر بیمارستانی در دوره افشاری، چنین شرح می‌دهد: «یک دارالشفا در حرم امام‌رضا^(ع) است که به نظر می‌آید توسط نادرشاه بنیان گذاشته‌شده است؛ البته تادهه ۱۳۶۸ خورشیدی هیچ بیمارستان واقعی در مشهد وجود نداشته است و من این را براساس آنچه ایستوبک (سیاح اروپایی دیگر) در زمان بازدیدش از مشهد مشاهده کرده و آورده است، گفته‌ام. اما معتقدم این بیمارستان همان دارالشفاست که بازسازی شده است، برای همین، او در گزارش خبر می‌دهد که تازه‌تأسیس بوده است.»

مرحوم مؤتمن هم می‌نویسد: «تقریباً از چهارصد سال پیش، موضوع توجه به بهداشت عمومی و رعایت حال مریضان فقیر و زوار در دستگاه آستان قدس عنوانی داشته و دارد. مدتی دارالشفاى آستانه در بازار بزرگ مشهد، مقابل مسجد گوهرشاد، دایر بود. این محل را که جزو مستغلات آستانه محسوب می‌شده است، مردم سرای ناصری می‌خواندند. این مکان بعدها در دوره قاجار به بالاخیابان منتقل می‌شود.»

مرحوم عبدالحمید مولوی نیز در کتاب «موقوفات آستان‌قدس در سابق دارالشفاى آستان‌قدس بوده است، اما ناصرالدین‌شاه در سفر نخستش به مشهد، از مکان دارالشفا که میانه مسجد گوهرشاد، بازار و مدرسه پریزاد و دودرب بوده است، ایراد می‌گیرد و آن را مناسب نمی‌داند، برای همین دستور می‌دهد که دارالشفا را به مکانی دورتر ببرند. در این دوره عضدالملک، متولی‌باشی است و مکانی را در ضلع جنوبی بالاخیابان (پانصدمتری حرم) دنظر می‌گیرد،

وضعیت مشهد در آخر دوره قاجار

در دوره قاجاریه، با گشایش و گسترش کنسولگری‌های خارجی در نقاط مختلف ایران، پزشکان این کشورها نیز در آنجا مستقر می‌شدند. بیشتر این کنسولگری‌ها، درمانگاه و بیمارستان داشتند و بیماران از نواحی دور و نزدیک به آنجا مراجعه می‌کردند؛ البته در آغاز، مردم به پزشکان خارجی چندان اعتمادی نداشتند و بیشتر به همان شکل تجربی و سنتی به مداوا می‌پرداختند اما به‌مرور زمان فعالیت اطبای خارجی موجب شد مردم از مداوای آن‌ها استقبال کنند. جیمز موریه، نویسنده و دیپلمات انگلیسی، در سال ۱۲۲۵ قمری در همین‌باره نوشته است: «منشی‌باشی ایرانی از مدت‌ها پیش، تب کرده و به حال مرگ افتاده بود. در شش روز، او شش‌بار دچار خون‌ریزی شده بود. این مردم اعتقاد به طبابت ما ندارند و از این‌رو نمی‌گذاشتند پزشک هیئت معاینه‌اش کند. سرانجام بر اثر فالی که از حافظ گرفت و در آن گفته شده بود به غریبه اعتماد کند، بدان راضی شد.»

این‌گونه است که در اواخر قرن نوزدهم، شهر مشهد در کنار درمانگاه حرم مطهر (دارالشفا)، سه درمانگاه خیریه عمومی دارد، درمانگاه جنرال کنسولی بریتانیا، درمانگاه جنرال کنسولی روسیه و درمانگاه بانک روس که از میان آن‌ها فقط درمانگاه‌های بریتانیاست که همچون دارالشفاى حرم مطهر، امکانات مناسبی برای بستری بیماران دارد.

چند سال بعد البته درمانگاه بانک روس تعطیل می‌شود و جایش را به شفاخانه منتصریه می‌دهد. حاجی داوود، سیاحی که در سال ۱۳۰۵ خورشیدی به شهر مشهد سفر کرده بود، می‌نویسد: «در شهر مشهد سه بیمارستان عمده وجود دارد، یکی از آن‌ها که از بودجه آستان قدس اداره می‌شود، دارالشفاى حضرت است که برای معالجه زائران و عموم است. بیمارستان دیگر، زیرنظر دولت بریتانیاست و روزانه سیصد بیمار را به‌طور مجانی معالجه می‌کند. علاوه‌بر این دو، بیمارستان مسیون آمریکایی نیز با اخذ پول، به معالجه بیماران می‌پردازد. یک بیمارستان کوچک دیگر به نام شفاخانه منتصریه وجود دارد که زیرنظر دولت اداره می‌شود و معالجه آن مجانی است.»

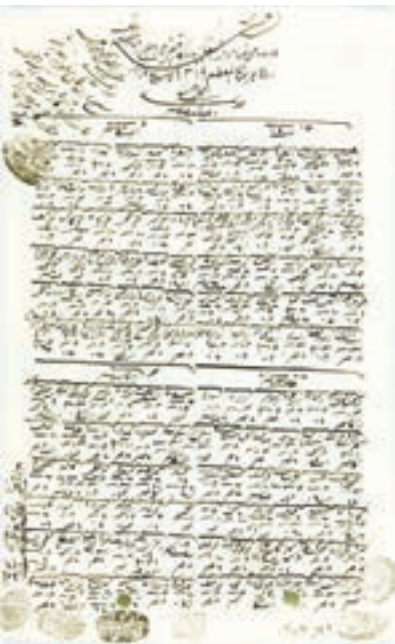
دکتر مرتضی شیخ

دکتر مرتضی شیخ اواخر سال ۱۳۲۹ پس از ازدواج به مشهد می‌آید. او علاوه‌بر خدمات پزشکی در مشهد به داشتن روحیه خیرخواهی و خدمت به مردم مشهد نیز مشهور است و برای خدمت‌رسانی بیشتر به محرومان، در نقاط مختلف شهر، از میدان شهدا تا فلکه برق، سرشور و نوغان، محکمه (مطب) دایر می‌کند تا بیماران ناچار نباشند برای مراجعه به او، حتی هزینه ایاب‌وذهاب پرداخت کنند. دکتر شیخ، پزشک بیست‌وچهارساعته مردم شهر است و در منزل هم بیماران را می‌پذیرد. او برای این کار، جلوی در خانه‌اش لامپی نصب می‌کند، هر وقت لامپ روشن است، یعنی در منزل است و پذیرای مردم.

مشهد و ۲۷ طبیب

پزشکی نوین، در ایران، ریشه در دوره قاجار و دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه دارد. تا تشکیل دارالفنون، با وجود آنکه قبلاً کسانی برای تحصیل طب جدید به اروپا اعزام شده و مراجعت کرده بودند، در وضع طب و تحصیل آن، تغییری به‌وجود نیامده بود. قانون بوعلی و شرح اسباب هضمی، کتب معتبر کلاسیک در پزشکی به‌شمار می‌رفت. برای تحصیل طب، مکتب خاصی وجود نداشت و شاگردان پس از طی مقدمات اولیه، یادگیری صرف و نحو، تحصیل حکمت الهی (فلسفه) و فراگرفتن حکمت طبیعی (طب و...) در مطب پزشکان معروف قدیمی بی‌مانع و رادع می‌توانستند پس از کسب اطلاعات مختصر در طب، خود را پزشک نامیده، به درمان بیماران مشغول شوند. جراید دوره احمدشاه قاجار در گزارشی تأکید می‌کنند که تعداد اطبای شهر مشهد ۲۷ نفر هستند که از این میان، هشت نفر طبیب تحصیل کرده، یازده نفر طبیب سنتی و هشت پزشک دیگر، آگاه به طبابت نوین و سنتی بوده‌اند. این جراید در ادامه توضیح داده‌اند: «بر عده فوق، اطبای رسمی قونسول‌خانه‌ها و مریض‌خانه‌های خارجی نیز که جمعا سه نفر هستند، افزوده می‌شود. یک دندان‌ساز دارای تصدیق‌نامه‌نیز در مشهد می‌باشد. این اطبا و دواخانه‌ها، تنها کفاف دولث شهر را می‌دهند و یک ثلث شهر که شامل نوغان و پایین خیابان است، از طبیب و دوا محروم‌اند.»

نخستین سندی که در آن به تهیه گیاهان دارویی برای معالجه بیماران دارالشفا اشاره شده و مربوط به سال ۱۰۱۰ هجری قمری است



در دارالشفا، بخش بستری زنان و مردان از یکدیگر جداست و به هر بیمار ظرف غذاخوری، کاسه، قاشق، کوزه آب، رختخواب و یک‌دست لباس کامل با عنوان «رخت بیمار، داده می‌شود که برای مردان شامل قبا، پیراهن، زیرجامه، کفش و کلاه است و برای زنان شامل یک نیم‌تنه روپاک، روسری، پیراهن، زیرجامه و کفش. به بیماران بستری هم غذایی به نام «مُزوره» (آش پرهیز) داده می‌شود که سبک و قابل‌هضم است و در آخر روز نیز به آنان میوه تازه -معمولاً سیب یا انار- می‌خورانند. داروهای موردنیاز بیماران دارالشفا در قسمت «شربت‌خانه، تهیه می‌شود که خود بخش دیگری از تشکیلات آستان قدس رضوی است. این داروها شامل انواع تریاقات (داروهای مسکن، مخدر و ضد‌درد)، انواع معجون (داروهای مخلوط با شهد و آب‌قند)، انواع سفوف (داروهای خشک و ساییده‌به‌شکل‌گرد) و انواع جوارش (ترکیب‌های مخصوص هضم‌غذا) است. بیشتر این داروها از مشتقات گیاهان و میوه‌ها و شامل شربت فواکه (آب‌میوه)، معجون زوفا، معجون کاسر‌الریاح، قرص تباشیر قابض، گل‌قند، سکنجبین، گل‌گاوزبان، سفر جلی مسهل، نوشدارو، پوست هلیله، رب میوه به، ربوند چینی، شربت بنفشه، اطرطیل، معجون خیارجنبر، تریاق فاروق، افیون، کوکنار، فلوینا و مانند آن است. داروها طبق نسخه حکیم (طبیب) بر روی کاغذ آهاردار نوشته می‌شود و مقدار و قیمت آن‌ها در پایان هر روز براساس این نسخه‌ها، برآورد شده، پس از تأیید طبیب، دوباره خریداری و جایگزین داروهای مصرفی قبلی می‌شود.

به‌رعایت بهداشت داخل دارالشفا نیز اهمیت داده می‌شود، لباس بیماران با آب و صابون شسته می‌شود و یک روز در ماه، نیز به استحمام آن‌ها اختصاص دارد و دلاک برای بیمارانی که توان استحمام ندارند، وجود دارد.

منابع:

کتاب «تاریخ پرستاری خراسان»

نوشته رامین رامین‌نژاد

مقاله «نقش کنسولگری

انگلیس در پیشرفت

پزشکی نوین در مشهد»

غلامرضا آذری‌خاکستری